

برای مردم زیر شلیک گلوله امریه صادر نکنید!

یادداشت های روزهای اعتراضات- 7

مبارزات کنونی مردم ایران نه فقط عرصه تهور و جانفشانی توده های بجان آمده از سلطه 43 ساله یک رژیم بربرمنش، بلکه همچنین عرصه حضور و تأثیرگذاری گروه های قدرت طلب خارج از کشوری و بی اطلاع از معضلات مبارزات مردم در شرایط کنونی کشور است. روزی نیست که فرد یا گروهی از کشوری در اروپا و آمریکا برای مردم زیر شلیک گلوله رهنمود صادر نکند و چه بسا براساس منافع گروهی خود، آنها را به توسل به یک قیام بی موقع دعوت نکند. اما تجربه همه انقلابات بشری در قرن بیستم میگوید: "قیام بی موقع جنایت است."*1

در دو روز گذشته در سایت "اخبار روز" اطلاعیه ای از جریانی ناشناس و خارج از کشوری، بنام "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" منتشر شده است.*2 این اطلاعیه که این سایت خبری آن را تحت عنوان "درخواست مرکز همکاری احزاب کردستان از مردم ایران برای حمایت از کردستان" منتشر کرده، بتاريخ 1 آذر 1401- 22 نوامبر 2022، شامل فراخوانی به مردم سراسر ایران برای توسل به اقدامات فوری و انجام اعتصاب عمومی سراسری برای حمایت از مردم کردستان مورد نظر این جمع یعنی استان های کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و ایلام است.*3 موضوع این فراخوان به تهاجمات مأموران رژیم اسلامی به شهروندان بی دفاع در چندین شهر در غرب کشور و طی سه روز پیش از آن مربوط است. اقدامات جنایتکارانه سرکوبگران منجر به جانباختن و مجروح شدن شماری از شهروندان بویژه در شهرهای مهاباد و سردشت و جوانرود گشته است. این جریان طی این فراخوان نام اعضای جمع خود را اعلام نکرده، که در جستجوی اینترنتی به سه سازمان خارج از کشوری یعنی "حزب دموکرات کردستان ایران"، "حزب کومه له کردستان ایران" و "سازمان خبات کردستان ایران" بر میخوریم. دو جریان اصلی براساس مواضع و فعالیت های تاکتونی، جریاناتی لیبرال راست و قوم گرای مدافع دخالت حتی نظامی ایالات متحده علیه سلطه رژیم اسلامی محسوب میشوند.*4

طبق فحوای اطلاعیه، جریان فوق خود را نماینده سیاسی و یا احزاب سیاسی کردستان ایران معرفی نموده و در پاراگراف اول میگوید: "در این میان کردستان که همیشه و در همه بُرهه ها پیشرو مبارزات ضد رژیم و سنگر مستحکم مردم آزادیخواه سراسر ایران بوده است، سهم سنگینی از این تلفات انسانی را بر دوش میکشد و روزانه شاهد یورش بیرحمانه نیروهای انتظامی و پاسداران تروریست با سلاح های جنگی به مردم معترض کوچه و خیابانهای شهرهای کردستان هستیم. چند روزی است رژیم با تمام قوا در کردستان حمام خون راه انداخته و قتل عام عمومی را پیشه نموده است."

جملات بالا برای یک خواننده ساده و کمتر مطلع از احزاب خارج از کشوری، ممکن است، در وحله اول موضوعی بجز آنچه را که به جنایات هولناک رژیم مربوط است، بیان نکند، بجز تأکید بر جنایات

روزمره این ماشین آدم کشی در شهرهای غرب کشور، که از این لحاظ بسیار ضروری و قابل انتظار است. اما در نگاه دقیق تر، ادعاهای نادرست، مطالبه سوال برانگیز و برخی فرمول بندی های مسئله ساز این اطلاعیه نمایان میشوند.

قبل از همه، نویسنده قوم گرای کهنه کار، از "کردستان" به مفهوم یک جغرافیای سیاسی-قومی و به معنای برنامه سیاسی گروه خود نام میبرد و نه بعنوان استان کردستان مردم ایران! در حالی که اتفاقات رخ داده، نه در "کردستان" قومی این جریان، (که شامل چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام است)، بلکه در شهرهای چهار استان غرب کشور و شامل شهرهای سنندج، سقز، بوکان، بانه، سردشت، مهاباد، پیرانشهر، ایلام، دیواندره، پاوه، جوانرود و کرمانشاه و بقیه است. از این رو بکار بردن اصطلاح قومی "کردستان" بجای استان های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام فقط به موضوع مبارزات اعتراضی کنونی مربوط نیست، بلکه نوعی استفاده نابجا و تبلیغ برنامه سیاسی قوم گرایانه خود آنها هم هست. در اینجا، این مبارزات و سلاخی مردم توسط مأموران رژیم اسلامی از سوی این جریان بعنوان فرصتی برای خودنمایی آنها بعنوان گویا "نماینده گان ملت کرد" مورد استفاده قرار میگیرد. در اخبار هر روزه، مردم ایران اطلاعاتی از اعتراضات در شهرهای تبریز، اردبیل، ارومیه، کرج و قزوین زنجان و بقیه را میخوانند و نه از منطقه قومی قوم گرایان تحت عنوان "آذربایجان" که گویا شامل استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان و البرز است! آیا درک این موضوع برای قوم گرایان "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" مشکل است؟! آنچه که در غرب کشور جریان دارد، مبارزات و اعتراضات شجاعانه مردم ایران است که در شهرهای چهار استان کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی جریان دارند و این رویدادها در شهرهایی است که هر یک نامی دارند، و مردم ایران نیز آنها را به همین نام ها می شناسند و نه با یک نام قومی جدید بنام "کردستان" برای نامیدن چهار استان! جمع زدن همه آنها زیر یک عنوان قومی یعنی "کردستان" نه کار خود مردم استان کردستان و کرمانشاه و آذربایجان غربی و ایلام، بلکه به "سبک کار" قوم گرایان افراطی تعلق دارد!

در همین پاراگراف، نگارنده اطلاعیه بالا سپس میگوید: "کردستان ... در همه برهه ها پیشرو مبارزات ضد رژیم و سنگر مستحکم مردم آزادیخواه سراسر ایران بوده." چنین موضوعی در این شکل کاملاً واقعیت ندارد، و نظر "پیشرو" بودن "کردستان" این گروه و حتماً جریانات سیاسی برخاسته از غرب کشور هم، به این شکل بیان شده ناقص بوده، و "همه برهه ها" هم دقیق نیست.

انقلاب بهمن در سال 1360 با شدتی غیر قابل انتظار و به شیوه کودتای هولناک اندونزی در سال 1965 سرکوب شده و درهم شکست، و اکثریت مبارزان بشیوه دهشتناکی قتل عام شدند. مردم استان های کردستان، آذربایجان غربی، ایلام و کرمانشاه هم نظیر مردم سایر استان های کشور متحمل این درنده خویی رژیم اسلامی شده، همه مبارزین منطقه ای و سازمان های سراسری خود را از دست دادند. رژیم بربرمنش اسلامی، همانطور که بر همه زوایای تهران و مشهد و کرمان و تبریز و اهواز مسلط شد، بدبختانه به همان گونه هم بر همه زوایای کرمانشاه و سنندج و مریوان و مهاباد غلبه کرد. انقلاب بزرگ مردم ایران شکست خورد و بنا به اسناد بسیاری، "کومه له" هم طی فعالیت تبلیغی افراطی و بمنظور تضعیف سازمان چریکهای فدایی خلق، ناخواسته در کنار حزب توده و "اکثریت"، در به شکست کشاندن انقلاب بهمن نقش ایفا کرد.

در استان های غرب کشور پس از شکست انقلاب بهمن، هیچگونه شرایط فعالیت سیاسی آزاد وجود نداشت، تا بتوان از آن بعنوان "سنگر مستحکم مردم آزادیخواه سراسر ایران" نام برد. اعضاء احزاب سیاسی "کردی" و بقایای سازمانهای سراسری چپ و شبه چپ هم به کردستان عراق رفته و به زندگی غیرمولد و توأم با بحران های مخرب کشیده شدند. اگر در "همه برهه های" تسلط این رژیم جنایتکار، در بخشی از ایران، شهر و منطقه ای، حال هر کجا، "سنگر مستحکم مردم آزادیخواه سراسر ایران" می بود، مطمئناً جهنم اسلامی 43 و این فقط تا به امروز، ادامه حیات نمیداد. آیا جنگ چهار ساله میان کومه له و دموکرات از سال 1363 تا 1367 را باید بعنوان دفاع از "مردم آزادیخواه سراسر ایران" نام برد؟! از این گذشته، از سال 1360 و 1361 تا سال 1367 و سپس از این سال تا به امروز، اکثریت وابستگان کومه له و حزب دموکرات به اروپا و مناطق دیگر مهاجرت کرده اند. در صورت وجود شرایط زندگی سیاسی مولد و یک "سنگر مستحکم" مبارزه، چنین مهاجرت بزرگی ضروری نمی شد.

اطلاعیه بالا در همان پاراگراف اول تلاش میکند، یک تاریخچه و شرایط مبارزاتی دیگری و مستقل از سراسر کشور برای "کردستان" قومی خود تعبیه کند. چنین تلاشی بی نتیجه است و مردم ایرانی طی 43 سال، نتایج سلطه گری باند خون آشام اسلامی را چشیده اند، با چشمان خود دیده و تجربه کرده اند، که هیچ استانی از کشور دارای قدرت و امکانی برای حفظ هیچ درجه ای از "آزادی" نبوده و نمیتوانست باشد.*5

اطلاعیه "مرکز همکاری ... " در پاراگراف بعدی بدون هیچ زمینه ای رهبری مبارزات مردم کردستان ایران را بدست گرفته، اعلام میکند:

"این خیزش سراسری در ایران جز با همدلی و اتحاد بیشتر همه اقشار مردم به پیروزی نخواهد رسید. لذا ما بعنوان مرکز همکاری احزاب کردستان ایران، از سازمانهای سیاسی، فعالان مدنی و همه اقشار مردم در سراسر ایران درخواست داریم در راستای تقویت این اتحاد و همدلی و پشتیبانی از مردم مبارز کردستان در روز پنجشنبه سوم آذرماه ۱۴۰۱ اعتصاب عمومی برگزار نمایند." و "از همه زنان مبارز، کارگران مراکز صنعتی، کسبه و بازاریان، استایید و معلمان، دانشجویان و دانش آموزان درخواست داریم در این روز به این اعتصاب سراسری بپیوندند...".

این جریان حتماً از این موضوع مطلع است که در استان های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه و ایلام هنوز دارای مشروعیت سیاسی واقعی و قابل اثبات نیست. کسانی که در خارج از کشور زندگی میکنند و رابطه ای با شرایط واقعی زندگی مردم ایران ندارند، نمیتوانند فراخوان های مبارزاتی در این سطح صادر کنند، حال چه برای کردستان چه برای اصفهان! از سوی دیگر، مگر در کشور ایران سندیکاهای مستقل کارگری، سندیکاهای کارمندان، اتحادیه های دهقانی و یا اتحادیه های متحد دانشجویی و زنان و "همه اقشار" وجود دارند، که در "روز پنجشنبه سوم آذرماه ۱۴۰۱ اعتصاب عمومی برگزار نمایند؟! آیا این نوع فراخوان ها، نوعی اعمال فشار غیر ضروری به مردم پراکنده و بی تشکل برای ریختن به خیابان ها بدون حداقلی از آمادگی نیست؟ هر چند معترضین احتمالاً (و چه بسا که درست است)، بنا به روال اعتراضات روزمره و یا برخی "ملاحظات" در چنین روزی هم دست به اعتراض خواهند زد، اما این تلاش مردم نباید از سوی این "مرکز"، بنادرست تعبیر شده و بعنوان پشتیبانی مردم ایران از فراخوان آن تلقی شود! بدتر از این، به این عنوان فهمیده شود، که گویا

مردم سراسر ایران، "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" را بعنوان نماینده حقیقی "ملت کرد" با تفسیر این جریانات برسمیت شناخته اند!

دقت در اطلاعیه "مرکز همکاری ... " نشان میدهد، که این گروه خود را بطور مسلم بعنوان رهبر مبارزات در شهرهای استان های غربی کشور معرفی کرده، از مردم تهران و بندرعباس میخواهد، بعنوان تأیید موقعیت رهبری آن، از مبارزات مردم مبارز استانهای غرب کشور پشتیبانی کنند. فعالین سیاسی و مبارزین فداکار در خیابان ها، از جمله در سنندج و بوکان و بقیه شهرها، نباید دچار این تصور شوند، که گویا "مرکز همکاری ... " نماینده قومی مردم کرد زبان ایران است و باید آن را به همین ترتیب برسمیت شناخت. مردم اگر تحت فشار نیروهای خارج از کشوری و بدون حداقلی از آماده گی به خیابان ها بریزند، برخلاف خواست خود، ممکن است، نه لزوماً به مردم سنندج و سردشت، بلکه به آدم کشان پلید این رژیم بربرمنش "کمک" کنند، تا هر چه زودتر مبارزات مردم را "جمع کنند."

"مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" و بویژه همفکران آن در میان سایر قوم گرایان تحت عنوان "سه ائتلاف سیاسی"*6، باوری به وجود "ملت ایران" نداشته، بلکه معتقدند که "جغرافیایی بنام ایران" از چندین "ملت" یعنی "ملت فارس"، "ملت کرد"، "ملت ترک"، "ملت عرب"، "ملت لر"، "ملت بلوچ" و "ملت ترکمن" (و حتی سه نقطه ... !!) تشکیل شده است. اینکه چنین درکی از کشور در جهان بطور کلی و کشور ایران بطور خاص، تا چه حد غیر واقعی است، میتواند موضوع بحث مستقلی باشد. این گروه از قوم گرایان بعد از چندین سال که از اصطلاح تحقیرآمیز "جغرافیایی که نام آن ایران است"، استفاده میکردند، در سال های اخیر دست به تغییراتی زده و امروزه از اصطلاح "مردمان ایران" استفاده میکنند. اما هر فرد مطلعی میداند، که در زبان فارسی سیاسی، همچنین فارسی روزمره، چنین ترکیبی کاربرد ندارد.

مردم ایران در هر کجای کشور، از جمله در غرب و شرق کشور، باید فقط به تشخیص خود عمل کنند. به این دلیل که هیچ تشکیلات سیاسی رهبری کننده متعلق به خود آنها، مورد اعتماد خود آنها، از تاریخ سیاسی جدید خود آنها، همواره در کنار آنها و دارای تشکیلات فعال و مبارز در داخل کشور وجود ندارد، وجود ندارد، و وجود ندارد! آنها باید به تشخیص خود به خیابان بیایند و به تشخیص خود از خیابان بروند. مردم باید به تشخیص خود در مقابل تهاجمات جنایتکاران دست به مقابله بزنند و یا به تشخیص خود صحنه را خالی کرده، دفاع فعال در مقابل تهاجم را به روز دیگری موکول کنند. حتی یک نفر ایرانی و غیرایرانی در این سیاره وجود ندارد، که بهتر از خود مردم ایران در داخل کشور، درست و نادرست و ممکن و ناممکن را در این مبارزه مرگ و زندگی تشخیص دهد. فقط یک فرد بی اطلاع از منطق مبارزات مستقل مردم در شرایط دیکتاتوری تروریستی اسلامی و یا گروهی "سبکباران ساحل ها"، میتوانند چنین واقعیاتی را انکار کنند.

هیچکس در این دنیا وجود ندارد، که به مردم ایران "استراتژی" و "تاکتیک" در مبارزه روزمره با این ماشین آدم کشی را که به هر جنبه ای شلیک میکند بیاموزد، یا برای آنها رژیم سرنگون کند. "توده های مردم در تجربه زندگی خود یاد میگیرند."*7 مردم ایران در داخل کشور باید خود عمل کنند و خود اشتباه کنند و روز و هفته بعد، از اشتباه خود تجربه کسب کنند و این بار بدون اشتباه و یا با اشتباه کمتر به جلو بروند. مردم ایران برای تغییر زندگی خود در ایران جانفشانی میکنند و نه برای تغییر زندگی یک ایرانی تأمین شده و مرفه در فنلاند و سوئد و کانادا. تغییر در زندگی ایرانیان خارج از کشور نیازی به جانفشانی ندارد.

برنامه سیاسی "مرکز همکاری احزاب سیاسی کردستان ایران" که دو عنصر اصلی آن "حزب دموکرات کردستان ایران" و "حزب کومه له کردستان ایران" هستند، همان برنامه سیاسی "کنگره ملیتهای ایران فدرال" است که جریانی قومی و افراطی لیبرال راست است، و هر دو حزب از اعضای اصلی و مؤسس آن در سال های 2004 تا 2013 بوده و هستند. جوهر برنامه سیاسی آن همین چند جمله پایین است که در نشانی سایت این "کنگره" هم در قسمت "توضیحات" این مقاله قابل دریافت است.

دو عضو اصلی و تعیین کننده "کنگره ملیتهای ایران فدرال" یعنی حزب دموکرات کردستان و حزب کومه له کردستان خود طی چهار سال از سال 1363 تا 1367 با یکدیگر در "جنگ داخلی" قرار داشته، و بیش از هزار نفر از شهروندان جوان و مبارز کشور را در شرایط اعدام های دسته جمعی رژیم اسلامی به قتل رساندند. عضو دیگری از همین "کنگره"، "دکتر" کریم عبدیان با تابعیت آمریکایی و حتماً بشدت مورد اعتماد دستگاه های نظامی و امنیتی دولت آمریکا و ناتو، که گویا نماینده "ملت الاهواز" در "عربستان" آن (استان خوزستان!!) است. این رهبر "ملت عربستان" تا قبل از بازنشستگی در آمریکا بعنوان مهندس طراح در تولید تانک های پیشرفته در یک کنسرن بزرگ اسلحه سازی آمریکایی شاغل بوده است! اینکه "فدرالیسم" این افراد قرار است با چه "ابزاری" چه بلایی بر سر مردم ایران بیاورد، به معنای واقعی کلمه، نیازی به هیچ توضیحی ندارد!!

برای تفسیر برنامه سیاسی "کنگره ملیتهای ایران فدرال" در زیر فقط یک کلمه کافی است: **هولناک!**

"ایران کشوری است چند ملیتی که تمامی ملیت های ساکن در آن باید به طور مساوی و با تامین برابر حقوق ملی ملیت های ایران در امر حاکمیت و اداره کشور شریک باشند. حقی که تا کنون از آنها سلب شده است."

"ساختار جمعیتی کشور ایران متشکل از ملیت های بلوچ، ترک آذربایجان، ترکمن، کرد، عرب، فارس، لر و ... بوده که هر کدام دارای سرزمین های تاریخی و ویژگی های ملی خود می باشند."

"برقراری نظام جمهوری فدرال، بر اساس ویژگی ملی- جغرافیایی ..."

تأکید خط کشی از "بازسازی".

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

در پاسخی کوتاه باید به این افراد پر ادعا و کم اطلاع گفت:

کشور ایران کشوری از نوع "کشور واحد" است و کشور فدرال نیز کشوری از نوع "کشور فدرال" است. یک کشور واحد تنها در صورت نابودی میتواند به کشوری از نوع دیگر تبدیل شود. ساختار پایه ای "کشور"، یعنی نوع کشور، محصول دوران اولیه رشد سرمایه داری در هر جامعه مشخصی است، و با نوع بازار سرمایه داری شکل گرفته اولیه تعیین میشود. اگر بازار اولیه سرمایه داری یک بازار واحد باشد، یعنی بانک مرکزی واحد، پول ملی واحد، قوانین مالی و پولی واحد، قوانین مالیاتی و گمرکی واحد، نرخ واحد دستمزدها در تولید بزرگ صنعتی (سبد دستمزدها)، نرخ واحد کالاهای انبوه صنعتی، الگوی واحد برای همه قراردادهای اقتصادی و مالی، قراردادهای تجاری خارجی واحد، ذخایر ارزی واحد برای کل کشور، قوانین واحد بانکی واحد و ... در این صورت از جامعه ای که چنین بازاری در آن شکل گرفته، یک "کشور واحد" متولد میشود. همه این شرایط در آلمان و ایالات متحده نوع دیگری بودند، از این رو نوع کشور در جوامع فوق نوع "کشور فدرال" بود. مجموعه شرایط اقتصادی، سیاسی و بین المللی خاص دیگری باعث پیدایش نوع "کشور فدرالیون" نظیر

یوگوسلاوی سابق، سوئیس و روسیه کنونی و یا نوع "کشور کنفدراسیون" نظیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی گشت، که شامل اتحاد داوطلبانه دولت های سوسیالیستی ملل مستقل در سال 1922 بود.

یک کشور از پیدایش چهار عامل اساسی شکل میگیرد و این هیچ ربطی (و یا ربط بسیار ناچیزی) به زبان و مذهب و سرزمین خاص و غیره ندارد. نقش همه عوامل فرعی دیگر، از جمله وجود نظامات سیاسی سابق در چنین جوامعی میتواند تحت شرایطی تأثیر گذار باشند، اما هیچیک در سطح چهار عامل فوق مؤثر نیستند:

1- پیدایش تدریجی بازار سرمایه داری در یک جامعه و یا جوامع همجوار و تحت یک نظام مشترک اداری- اجرایی.

2- پیدایش تدریجی ملت، که در مرکز آن نیروی کار آزاد یعنی کارگران صنعتی، یعنی انسان آزاد از قیودات فنودالی و شهروند و نه رعیت و پرده قرار دارند.

3- دستگاه دولتی جدید و حرفه ای بوژوایی

5 – مرزهای دولتی یا مرزهای سیاسی و نه مرزهای قومی، طبیعی و یا خاندانی

قوم گرایان در بالا بکرات از وجود تمرکز افراطی دولتی در ایران سخن رانده، راه حل "فدرالیسم" را که در ایران و از دید خود آنها هم چیزی جز تأسیس دولت های قومی نیست، معرفی میکنند. اما "فدرالیسم" در معنا و کاربرد عملی و واقعی آن نه به وجود تمرکز زیاد، بلکه به فقدان تمرکز و با هدف ایجاد تمرکز بمنظور تسهیل توسعه سرمایه داری مربوط است. این در مورد بویژه دو نمونه کلاسیک یعنی ایالات متحده آمریکا و آلمان در قرن هجدهم و نوزدهم کاملاً صدق میکند.

تمرکز سیاسی در آغاز پیدایش سرمایه داری یک ضرورت تاریخی اجتناب ناپذیر است. اما رژیم های کودتایی، ضد ملی و سرکوبگر پهلوی با اعمال دیکتاتوری هولناک پلیسی آثار تمرکز سیاسی ضروری بالا و عواقب اقتصادی- سیاسی توسعه ناموزون سرمایه داری را در ایران چندین برابر سنگین تر ساختند. از این رو باید عواقب سلطه دیکتاتوری های پهلوی و اسلامی در ایجاد چنین تمرکز زیانباری را با توزیع قدرت سراسری در کل کشور، برسمیت شناسی حق مردم در انتخاب و عزل سیاستمداران در همه سطوح محلی و کشوری، و احترام به حق شهروندان به زندگی بدون ترس و تبعیض با زبان مادری خود، از بین برد. فدرالیسم مورد نظر قوم گرایان هیچ ربطی به موضوع تمرکز و حقوق مردم ندارد، بلکه بازگشت به دوران ملوک الطوائفی و ایجاد ساختارهای سیاسی بر اساس تفاوت های ساده خونی یعنی زبانی و قومی است. یک چنین تغییر بسیار بزرگی در "کشور واحد" و تماماً استحکام یافته ای نظیر ایران بمعنای واقعی کلمه غیر ممکن است. این حقیقت برای نماینده گان اولین مجلس مشروطه نیز کاملاً مسلم بود. از این رو ساختار پایه ای کشور بدون بحث بر اساس نوع "کشور واحد" تأیید شده، برای رعایت حقوق مردم در اداره هر شهر و استان و منطقه ای، همچنین رعایت ویژه گی های فرهنگی، زبانی و یا جغرافیایی هر منطقه ای، راه حل "انجمن های ایالتی" و "انجمن های ولایتی" مورد توافق اکثریت قاطع نماینده گان قرار گرفت. انجمن های ایالتی و ولایتی خود از سازماندهنده گان نیروی مبارزه، بسیج مردم، مقاومت و اداره ایالت و شهر و تأمین نیازهای روزمره زندگی مردم در دوران سخت انقلاب مشروطیت بودند.

نقش دیکتاتوری های پلیسی و فاشیستی پهلوی در ایجاد شرایط تمرکز افراطی دولتی در ایران در همه بحث های قوم گرایان فراموش میشود. جایگاه قدرت های استعماری و امپریالیستی در استقرار مستقیم دیکتاتوری پلیسی پهلوی و سپس بند و بست علنی رژیم پهلوی و اربابان آن با لیبرال های مذهبی و غیر مذهبی اپوزیسیون برای استقرار یک رژیم ترور اسلامی در سال 1357 فراموش میشود. قوم گرایان نه قدرت مهیب امپریالیسم، جنگ های جهانی و استعمار، بلکه ساختار پایه ای و "نوع کشور" ایران،

و در واقع توده های عادی مردم را "مقصر" معرفی میکنند! این اما نه صرفاً ناشی از بی اطلاعی، بلکه داشتن نوعی منافع و علائق مشترک آنها با برپا کننده گان نظام های دیکتاتوری و قدرتهای استعماری و امپریالیستی است!

نتیجه آنکه قوم گرایان امروز ایرانی به جلب حمایت سیاسی و چه بسا نظامی قدرت های امپریالیستی روی آورده، حتی به نوعی سازش با سلطنت طلبان ضد مردمی و دشمنان دائمی مردم ایران تمایل نشان میدهند. به این دلیل که سلطنت طلبان با برسمیت شناسی حقوق سیاسی برای "اقوام"، یعنی تبدیل نظام دولتی کشور به نظام سیاسی "فدرالیسم قومی" مخالفتی جدی نشان نمیدهند. از آنجا که سلطنت طلبان ایرانی، خود در عین حال نه یک جریان ملی و جزء "ملت ایران"، بلکه بنا به عملکرد ضد ملی و سیاه خود، و بنا به اعلام و تبلیغات دائمی و تاریخی خود، جریانی نژاد گرا و وابسته به "قوم پارس" باستان بوده، درست بهمین دلیل، خواه ناخواه یکی از طرفین مذاکره و انعقاد قرارداد با سایر قوم گرایان محسوب میشوند!

اکبر تک دهقان

3 آذر 1401 - 24 نوامبر 2022

توضیحات

***1-** "قیام بی موقع جنایت است" - لنین

***2-** سایت "اخبار روز" همچنین تصویری از خانم معترضی را در همان صفحه منتشر کرده، که چنین نوشته ای را بدست گرفته است: "آب که می خورید، مزه خون نمیدهد؟ کردستان زیر رگبار آتش دشمن است!" این نهایت اشتباه است، خانم محترم و سایت مبلغ شعار شما! فرد شعار بدست و سایت "اخبار روز" در این شرایط دشوار، مردم ایران را متهم به "نوشیدن آبی" میکنند، که گویا "مزه خون میدهد" و این مردم نسبت به آن بی تفاوت بوده و به نوشیدن "آب با مزه خون" ادامه میدهند! این نادرست است، که کسی خود تشخیص میدهد که "کردستان زیر آتش دشمن است" و مردم سایر نقاط ایران نسبت به آن بی تفاوت هستند و باید فوراً دست به یک قیام مسلحانه بزنند! اینگونه برخوردها نشان دهنده آن است که مبتکرین آن، اطلاعی از دینامیزم مبارزات توده ای در یک کشور بزرگ و 85 میلیون نفری ندارند و کم تجربگی سیاسی و یا غرض ورزی خود را در یک نوشته غیر دوستانه خلاصه کرده و تبلیغ میکنند.

نشانی فراخوان "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" در سایت "اخبار روز":

<https://www.akhbar-rooz.com/181239/1401/09/02>

سایت "اخبار روز" با اضافه کردن متن زیر هم به فراخوان "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران"، حتی محتوای بعضاً نادرست این اطلاعیه را تشدید میکند. به متن اضافه خود این سایت دقت کنید:

"سرکوب خونین شهروندان کرد ... ادامه یافت و به کشته و زخمی شدن ده ها معترض انجامید. جمهوری اسلامی در کردستان با تمام ایران می جنگند. کردستان در دوماه گذشته سنگر انقلاب در ایران بوده است و حکومت تلاش دارد با درهم شکستن این سنگر انقلاب در سرتاسر ایران را سرکوب

کند. کردستان در زیر فشار شدید حکومت مقاومت می کند و انتظار دارد ایران به یاری آن برخیزد، همبستگی با کردستان در سرتاسر ایران نشانه های خود را بروز می دهد و امید می رود که به یک حمایت سراسری تبدیل شود زیرا سرکوب خونین شهروندان کرد به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی که از شامگاه یکشنبه ۲۹ آبان شدت گرفته بود، در طول روز دوشنبه ۳۰ آبان نیز ادامه یافت و به کشته و زخمی شدن ده ها معترض انجامید. جمهوری اسلامی در کردستان با تمام ایران می جنگد. کردستان در دوماه گذشته سنگر انقلاب در ایران بوده است و حکومت تلاش دارد با در هم شکستن این سنگر انقلاب در سرتاسر ایران را سرکوب کند. کردستان در زیر فشار شدید حکومت مقاومت می کند و انتظار دارد ایران به یاری آن برخیزد، همبستگی با کردستان در سرتاسر ایران نشانه های خود را بروز می دهد و امید می رود که به یک حمایت سراسری تبدیل شود زیرا سرنوشت انقلاب در ایران به سرنوشت آن در کردستان گره خورده است."

بخش اعظم این مطلب نظیر یک تراکت ساده تبلیغی از رادیوی کومه له قدیم، و امروز در سایت "اخبار روز"، حقیقت مسلم نبوده، جای سوال و بحث هم دارد. سرکوب جنایتکارانه مبارزین در همه شهرهای کشور با شدت جریان دارد و این مبارزات هم بطور قابل انتظار و نظیر همیشه از تهران شروع شده، و رژیم اسلامی با همه مردم ایران در همه جا و به یکسان "می جنگد". "کردستان" قومی قوم گرایان در دو ماه گذشته در کنار همه شهرهای کشور فقط نظیر بقیه یکی از سنگرهای "انقلاب ایران" بوده، و این اصطلاحات کلیشه ای از تبلیغات رادیویی کومه له در سال های 1362 به بعد نباید برای حوادث دوره کنونی مورد استفاده واقع شود. اینکه "کردستان در زیر فشار شدید حکومت مقاومت می کند و انتظار دارد ایران به یاری آن برخیزد" هم، ترکیبی نادرست است، که "ایران" و "کردستان" را بعنوان دو فاعل سیاسی متفاوت و مجزا مطرح کرده، و حتی "ایران" را کمرنگ جلوه میدهد. ادعای اینکه "...زیرا سرنوشت انقلاب در ایران به سرنوشت آن در کردستان گره خورده است" هم یک برخورد کودکانه، ناشی گری سیاسی، قضاوت سطحی و عجولانه است. چرا باید سرنوشت "انقلاب" در یک کشور 85 میلیون نفری و بزرگ فقط به سرنوشت آن در 8 یا 10 شهر کوچک در غرب کشور "گره خورده" باشد؟ سرنوشت مبارزات اعتراضی، که هنوز در مراحل اولیه رشد خود است، قبل از همه به مبارزات مردم در تهران 12 میلیون نفری، شهرهای میلیونی و بلحاظ صنعتی و اداری گسترده و قدرتمند نظیر تبریز و مشهد و اصفهان و شیراز و اهواز و بقیه شهرهای بزرگ کشور "گره خورده است". اغراق کردن در اهمیت دادن به بخشی از اعتراضات با اهداف قوم گرایانه، لزوماً باعث گسترش مبارزات در شهرهای غرب کشور و کسب حقانیت سیاسی برای کسی نخواهد شد.

سایت اخبار روز، که هنوز بطور کامل از "اصلاح طلبان" حکومتی و رهبر فکری خود فرخ نگهدار کنده نشده است، در این تراکت تبلیغی برای کومه له و حزب دموکرات، مردم ایران را به هول و هراس انداخته و عملاً آنها را که هنوز در آغاز کار هستند، به توسل به یک قیام مسلحانه زود رس فرا میخواند! آیا هدف مسئولین این سایت از چنین فضا سازی قومی، به شکست کشاندن مبارزات اعتراضی مردم ایران در همان دوران اولیه رشد آن است؟!!

سایت "اخبار روز" به گروهی از فعالین سیاسی ورشکسته سابق و هنوز هم همدستان آشکار و پنهان رژیم اسلامی یعنی "اکثریت" نزدیک است. این طیف از مدعیان سیاست، دارای این تصور بدوی از جامعه، مردم و مبارزات هستند، که گویا مردم ایران در سال 1360 و پس از آن، از سازمان های

سیاسی حمایت نکردند و مرتکب نوعی "خیانت" شدند!! سایت "اخبار روز" البته خود در این رابطه اصلاً نیازی به صرفه جویی نمی بیند، و هنوز از اصطلاحاتی بی رابطه با مبارزات مردمی نظیر "خشونت" و "به خشونت کشیده شد" برای تخطئه مقاومت مردم استفاده میکند. "اخبار روز" در مبارزات توده ای سال 1388 وقتی با مقاومت محکم مردم در برابر تهاجمات گسترده مأموران رژیم روبرو شد، با وحشت، بیکباره، با صراحت و پس از انتشار مقاله ای از فرخ نگهدار نوشت: "هر دو طرف دست به خشونت زدند.!" یعنی مردم را با جانیان پلید در یک صف قرار داده، و آنها را هم متهم به توسل به "خشونت" کرد! البته مسئولین "ضد خشونت" این سایت، مطلب فوق را پس از چند ساعت از سایت خود حذف کردند.

سایت "اخبار روز" بنا به اهداف سیاسی خود، مردم معمولی ایران را هم برای 43 جنایت و بربرمنشی رژیم اسلامی بنوعی مسئول می‌شناسد! در حالیکه این جریان سیاسی خود آنها یعنی سازمان "اکثریت" بود، که از آغاز سال 1358 بتدریج و از خرداد سال 1359 به همدستی فعال با ماشین آدم کشی اسلامی روی آورد و نه مردم ساده و معمولی ایران. "اکثریتی" ها در "اخبار روز" به این وسیله تبهکاری های سیاسی سازمان خود را در گذشته کم اهمیت جلوه داده، کم و بیش از مردم طلبکار هم میشوند. هر شهروند مطلع از مسائل دوره انقلاب بهمن از این واقعیت آگاه است، که پیوستن آنها به رژیم اسلامی و نابودی قدرت مبارزاتی و فاکتور سرنوشت سازی نظیر سازمان چریکهای فدایی خلق طی سال های 1358 و 1359 یکی از دلایل اصلی و بسیار مهم تثبیت ماشین سلاخی اسلامی و تحمیل شرایط جهمی بعدی به مدت 43 سال بود.

در رابطه با همین تلقی سرکوبگرانه و طلبکارانه از مردم ایران، چندی پیش سایت "اخبار روز" به مرگ یکی از هنرمندان پرداخته بود. هنرمند مزبور چند سال پیش از این فوت کرده، و نظیر بسیاری از موارد نظیر آن، گروه کوچکی از دوستان او بر مزار او گرد آمده بودند. سایت اخبار روز ضمن انتشار تصویری از مراسم خاکسپاری او بر بالای سایت تیتز زده بود: "این است ملت ایران!!"

یعنی اینکه "ملت ایران" قدرگذار و سپاسگذار هنرمندان خود نیست و شایسته سرکوب این رژیم جانی و تحقیر این سایت خبری "اکثریتی" است. مگر "ملت ایران" باید گوش به زنگ درگذشت این یا آن هنرمند و "روشنفکر" باشد و فوراً در مراسم خاکسپاری او حاضر شود؟! در یادبود یک هنرمند و نویسنده باید قیل از همه، دوستان، بستگان، هنرمندان، نویسندگان، کارمندان و صاحبان انتشاراتی ها و کتاب فروشان شرکت کنند، که به یک صنف اجتماعی تعلق دارند و نه "ملت ایران" اسیر در چنبره یک زندگی سگی! از این گذشته، شرایط سیاسی و فرهنگی مردم و "ملت ایران" در هر دوره ای یکسان نیست. در دوران رواج مبارزات سیاسی روزمره، روانشناسی سیاسی جامعه و برخورد مردم به هر موضوعی و به یکدیگر، متفاوت از شرایط فقدان این مبارزات و غلبه رکود و شکست سیاسی است. آیا مسئولین این سایت مثلاً "چپ"، اگر چیزی از ادبیات سیاسی سازمان فدایی دوره قدیم به گوششان خورده باشد، از این واقعیات ساده مطلع نیستند؟ آنها از این موضوع مطلع هستند، اما یک محرک نیرومند درونی آنها را مدام به این جهت سوق میدهد، که مردم و حقانیت آنها را تحقیر کرده و زیر سوال ببرند، تا از این طریق، توجیهی برای اشتباهات خود و جنایات باند فرخ نگهدار، جمشید طاهری پور، مهدی فتاپور، بهزاد کریمی، بهروز خلیق، امیر ممبینی، علی کشتگر و نظایر آنها ایجاد کنند.

سایت "اخبار روز" فقط در سال های گذشته چنین برخوردهای تحقیرآمیز، آمرانه و طلبکارانه ای با "ملت ایران" انجام نداده بود، بلکه همین چند روز پیش یعنی روز ۱۶ آبان ۱۴۰۱ - 7 نوامبر 2022 هم تحت پوشش اطلاعیه ای از سوی یک محفل دو نفره (واقعاً 2 نفره!!) از صنف عباس توکل در سوئد تحت یک عنوان غیر واقعی بنام "کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)"، درست به همین شیوه برخورد میکند. سنبل کننده این اطلاعیه با تیتیر بی ادبانه و طلبکارانه ای بر سر مردم تحت شلیک گلوله داد میکشد: "مردم، منتظر چه هستید؟" نگاه کنید به این مهمل که از آغاز تا پایان آن پرت و پلا و نصایح مسخره و تعارفات و چاپلوسی برای تحمیل "حق" فریاد کشیدن بر سر مردم است:

"یک هفته بعد از آغاز قیام علیه جمهوری اسلامی، نسل جوان، زن و مرد، که رهبری قیام را به دست گرفتند، پی در پی از شما مردم خواسته‌اند به آنها ملحق شوید. مکرر از شما کارگران و معلمان و سایر زحمت‌کشان خواسته‌اند که به قیام به پیوندید، اعتصاب کنید و به فروپاشی زود هنگام جمهوری اسلامی کمک کنید." باید به این محفل دو نفره بی مسئولیت و بی نزاکت و سایت مبلغ او "اخبار روز" تذکر داد:

در ایران هنوز یک "قیام" توده ای بوقوع نپیوسته، جامعه هنوز وارد شرایط مبارزه توده ای وسیع نشده، و هنوز مردم ایران بعنوان یک "ملت" به جنبش اعتراضی کنونی برای سرنگونی این رژیم ملحق نشده اند. این را هر "جوان" شریک در این مبارزات تشخیص میدهد و فقط افراد مرفه و سیر خارج از کشوری و رهبران اکثراً فرصت طلب آنها آن را تشخیص نداده، مردم را نظیر کودکان 4 ساله مورد عتاب و خطاب قرار میدهند. مبارزات فداکارانه نسل پیش آهنگ کنونی، نظیر نسل انقلابی دهه چهل در سیاهکل، هنوز به معنای ظهور جنبش انقلابی توده ای با هدف سرنگونی فوری رژیم حاکم نیست، و این هزار و یک دلیل عینی و ذهنی دارد، که طی بیش از 100 سال بطور کلی و طی بیش از 43 سال بربرمنشی اسلامی بطور خاص شکل گرفته و قوام یافته اند.

دسته دیگری از همین طیف خارج از گود هم که نام بی معنای "سازمان فداییان- اقلیت" را حمل میکند، در تحقیر مردم درست به شیوه "کانون ... "سایت "اخبار روز" عمل میکند. این جریان ورشکسته و هیچکاره در خارج و داخل، بدفعات و حتی همین امروز هم از موضع امر و نهی با مردم سخن میگوید. جریان فوق، خود شریک و عامل اصلی در یک کشتار "درون سازمانی" در بهمن ماه سال 1364 در عراق، در سال های قبل از زبان رهبر خود نوشته بود: رژیم در سال 60 دست به سرکوب زد و مردم هم "تکان" نخوردند!! گویا "مردم" ایران بلطف نبوغ او، بطور کامل سازمانیافته و متشکل و متحد در پیاده روهای خیابان ها منتظر ایستاده بودند، تا در لحظه توسل رژیم به سرکوب هولناک، بیکباره و فوراً به سوی پادگان ها و مراکز قدرت هجوم ببرند.

- در این نشانی یک قوم گرای افراطی دیگری مطالبات بی سر تهی مطرح میکند و به مردم فرمان میدهد که زود "انقلاب" کنند، چون او درک نمیکند، که مردم و جامعه و تاریخ و انقلاب دیگر چیست! در ضمن همین سایت "پیک ایران"، متعلق به یک قوم گرای افراطی و جدایی طلب آشکار است، که از سر نفرت از "کشور"، به چنین کامنت های تحقیرآمیزی علیه مردم میدان میدهد:

<https://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=257794>

***3- جریان "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران"** در سال 1397 تشکیل شده، هدف آن همان برنامه سیاسی "کنگره ملیتهای ایران فدرال"، یعنی تشکیل دولت های قومی در ایران و دگرگونی کامل ساختار پایه ای و "نوع کشور" از یک "کشور واحد" به یک "کشور فدرال" است. اعضاء آن: حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومله کردستان ایران و حزب خبات کردستان ایران هستند. اما طی این اطلاعیه در این نشانی، بتاريخ آذر 1397، خبر از خروج سازمان خبات کردستان ایران از این تشکیلات داده میشود. گویا سازمان خارج شده، به سیستم "فدرالیسم" چهار جریان دیگر باور نداشته است. در این اطلاعیه اما نامی از دو عضو دیگر این اتحاد بجز حزب کومله و حزب دموکرات نیست.

<https://asoyroj.com/farsi/detail.aspx?hewal&jmara=13150&Jor=1>

***4- طی اطلاعیه ای در نشانی زیر به مواضع حزب دموکرات کردستان ایران (و شخص مصطفی هجری) در موضوع درخواست ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در کردستان ایران، نظیر شمال عراق در دهه 90 و مقطع حمله ارتش های ناتو، برخورد شده است. این "درخواست" در شرایط احتمالی فرضی، به اردیبهشت 1391- آوریل 2012 مربوط است.**

مصطفی هجری: "در صورت تظاهرات و قیام مردم در شهرهای کردستان ایران، نه تنها باید این قیام مورد حمایت قرار بگیرد بلکه باید منطقه پرواز ممنوع در آسمان کردستان ایران جهت هرگونه حمله تلافی جویانه از جانب حکومت مرکزی، برقرار شود." از شرایط کنونی در کشور میتوان در واقع بعنوان شرایط مورد نظر آقای مصطفی هجری هم نام برد!

<http://www.jebhemelli.info/html/bayan-didgah/12/260412JMO.htm>

در نشانی زیر هم عبدالله مهدی دبیرکل "حزب کومله کردستان ایران"، نظر خود را پیرامون نقش احتمالی آمریکا در تحولات آتی ایران و یا رابطه احتمالی آن با احزاب کردستان ایران بیان کرده است:

"عبدالله مهدی" از دولت ترامپ می خواهد تا برای برنامه ریزی در مورد فردای ایران با گروه های مخالف ارتباط برقرار کند. وی هشدار می دهد که بدون چنین آماده سازی هایی، سقوط رژیم می تواند به تصرف قدرت توسط سپاه پاسداران ایران یا تجزیه کشور و برپا شدن آشوب منجر می شود.

وی می افزاید: "دولت ترامپ رژیم را از لحاظ اقتصادی تحت فشار قرار داده است اما در زمینه حمایت مخالفان هیچ چیز جدی ندیده ام."

<http://komala.org/farsy/dreja.aspx?hewal&jmare=1248&Jor=9>

در نقل قول بالا از یک مجله آمریکایی، فونت درشت برای تأکید از "بازسازی" است.

در صحبت عبدالله مهدی پیرامون خطر "تجزیه کشور و برپا شدن آشوب" پس از احتمال "تصرف قدرت توسط سپاه پاسداران"، میتوان بخود حق داد و احتمال داد، که منظور عبدالله مهدی از "تجزیه کشور"، همان اعلام استقلال سیاسی در مناطقی است، که قوم گرایان در آن مناطق دارای نیروی قابل

توجهی هستند و این قبل از همه متأسفانه شامل حال خود ایشان میشود!! پس آیا این جمله بندی، نوعی اعلام نقشه های احتمالی خود او و همفکران او در میان سایر قوم گرایان در شرایط "آشوب" نیست؟!

***5-** نوعی خود بزرگ بینی جریانات قوم گرای منتسب به کردستان و بویژه چهره اصلی کنونی آن عبدالله مهندی در اینجا دارای سابقه طولانی است. در سال های 1365 یا 1366، کومه له تحت عنوان گمراه کننده "حزب کمونیست ایران"، در دره ای در شمال عراق، گاهگاهی "سمینار" هایی را در مقر خود برگزار میکرد. یک از مسئولین این جریان، منصور حکمت، در یکی از این سمینارها چنین ادعایی را مطرح میکند: **کردستان ایران کاملاً صنعتی و سرمایه داری پیشرفته است. پیاده رو خیابان ... در سنندج در سال 10 صبح، حتی خیلی شلوغ تر از پیاده رو خیابان بزرگ و مشهور ... در مرکز لندن در همین ساعت است!!!** او از این شعبده بازی نازل برای نوزادان 6 ماهه نتیجه میگرفت، که نتوری های او در باب "انقلاب سوسیالیستی" بجای انقلاب دموکراتیک، نه فقط در کل ایران، بلکه حتی در استان کردستان هم بدلیل توسعه فوق العاده بالای سرمایه داری صدق میکند!! **مقایسه پیاده رو خیابانی در سنندج در ساعت 10 صبح در تابستان 1366 با پیاده رو خیابانی بزرگ در مرکز لندن در تابستان 1987 در همان ساعت!!** منصور حکمت از احساس خود بزرگ بینی در میان مسئولین کومه له نظیر عبدالله مهندی و ابراهیم علیزاده مطلع بود، و بر روی آن هم به این شیوه سرمایه گذاری میکرد.

***6-** این "سه ائتلاف سیاسی" قومی عبارتند از: **"کنگره ملیتهای ایران فدرال"**، **"شورای دموکراسی خواهان ایران"** و **"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"**. استخوانبندی هر سه جریان، حزب دموکرات کردستان ایران (مصطفی هجری) و حزب کومه له کردستان ایران (عبدالله مهندی) هستند. اگر حتی یکی از دو جریان فوق از این "سه ائتلاف سیاسی" خارج شود، به احتمال زیاد این جریانات منحل میشوند.

ائتلاف **"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"** به اعلام خود در **اسفند 1397- فوریه 2019** در شهر هانور آلمان تأسیس گردیده است. این جریان هدف خود را **"سرنگونی جمهوری اسلامی و ..."** که بجز مطالبات آشنا و عمومی، ایجاد **"فدرالیسمی که تأمین حقوق برابر ملی - دموکراتیک ملیتها و اقوام ساکن ایران باشد"**، اعلام کرده است. و منظور این جریان نظیر بقیه از **"فدرالیسم"** همان تأسیس دولت های قومی در کردستان، آذربایجان، خوزستان، بلوچستان، ترکمنستان (؟) است. همچنین از دید این افراد، در مناطق دیگر کشور هم، باید کرد زبانان، ترک زبانان، عرب زبانان، بلوچ زبانان و دیگران هم از نوعی خودمختاری سیاسی برخوردار شوند، نظیر خراسان و فارس...

نیروهای تشکیل دهنده جریان **"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"** بقرار زیر هستند:

- 1- **اتحاد دموکراتیک آذربایجان - بیرلیک**: یک جریان لیبرال راست و افراطی قومی خارج از کشوری و متمایل به جدایی طلبی. در سایت اینترنتی این جریان همواره از **"آذربایجان جنوبی"** سخن رفته است.
- 2- **جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران**: یک محفل گپ و پاتوق لیبرال راست و در حاشیه احزاب **"سوسیالیست"** و **"لیبرال"** و **"سبز"** اروپایی و عمدتاً در پاریس. نقش و تأثیر آنها در مبارزات مردم ایران قابل ذکر نیست. اما نام آن در این جمع باید بعنوان نوعی پشتیبانی سازمانهای سراسری از اهداف قوم گرایان محسوب گردد.

3- **حزب تضامن دموکراتیک اهواز:** یک جریان قومی افراطی خارج از کشوری که اخیراً تلاش میکند، چهره ای میانه رو از خود بدست بدهد. رهبر این جریان "دکتر" کریم عبدیان به اعلام خود، پیش از این بمدت حدود سه دهه در یک شرکت بزرگ اسلحه سازی آمریکایی بعنوان مهندس طراح تانکهای پیشرفته شاغل بوده است. در چنین موقعیتی او باید دارای تابعیت آمریکایی بوده و کاملاً مطمئن و مورد اعتماد پنتاگون، سازمان ها و نهادهای امنیتی ناتو و نهادهای امنیتی کشورهای ناتو بوده باشد! در نشانی زیر نام آن "حزب تضامن دموکراتیک اهواز(عربستان)" ذکر شده است.

<https://iran-federal.net/1398/12/28/773>

4- **حزب دموکرات کردستان ایران:** یک جریان قومی لیبرال راست خارج از کشوری. این جریان طی سال های 1363 تا 1367 درگیر "جنگ داخلی" در کردستان ایران بود. این حزب و طرف دیگر این درگیری "حزب کومه له کردستان ایران" کنونی و سایر جناحهای انشعابی از کومه له سابق تحت عنوان "کمونیست کارگری" در خاک عراق مستقر بوده، از طریق کمک های مالی این دولت فعالیت کرده، همچنین هزینه های زندگی شخصی خود و هزاران نفر از بستگان و یا فراریان را نیز بهمین ترتیب تأمین میکردند. در این درگیری 4 ساله، که در ضمن ورود آنها به خاک ایران برای انجام عملیات های نظامی علیه مقرات پاسداران رژیم اسلامی روی میداد، بیش از هزار نفر کشته و صدها نفر نیز زخمی و معلول شدند. هیچیک از دو جریان بالا تاکنون به این جنگ پرخسارت هیچ برخوردی نکرده، کسی هیچگونه مسئولیتی نیز بعهده نگرفته و انتقادی شخصی نیز انجام نگرفته است! این همچنین جریان طی دو سال گذشته، بوفور مقالاتی از مسئولین اصلی و نویسنده دائمی در سایت اینترنتی و نشریه مرکزی آن چاپ میکرد، که به موضوعاتی نظیر "خون مشترک"، "خاک و خون" و موضوعات راسیستی و نژادگرایانه دیگری از همین نوع میپرداخت، که با برنامه سیاسی حزبی که خود را رسماً یک حزب سوسیال دموکرات معرفی میکند، هیچ قرابتی نداشت. اما این نوع ادبیات سیاسی-ایدئولوژیک با موضع گیری های جدید آن، تماس مداوم با سیاستمداران آمریکایی، فعالیت بشدت به راست غلتیده و قومی افراطی آن البته کاملاً سازگار بودند!

5- **حزب کومه کردستان ایران:** جریانی قوم گرا، لیبرال راست و متمایل به سوسیال دموکراسی در خارج از کشور. عبدالله مهدی دبیرکل کنونی آن، در سال 1362 با منصور حکمت، حمید تقوایی و ایرج آدرین از تهران یک حزب مشترک تحت عنوان "حزب کمونیست ایران" تأسیس میکند، که او بعنوان دبیر کل این حزب تعیین میشود. عناصر جناح منصور حکمت در دهه 90 با هدف خروج از عراق تحت اشغال ارتش آمریکا، از "حزب کمونیست ایران" انشعاب میکنند. جریان فکری عبدالله مهدی با هدف بازسازی مجدد "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" دوره قدیم در سال 2000 از جریان "حزب کمونیست ایران" جدا شده، و در سال 2006 عنوان کنونی را انتخاب میکند.

6- **حزب مردم بلوچستان:** یک جریان کوچک قوم گرای خارج از کشوری و متمایل به سوسیال دموکراسی.

7- **سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران:** عمدتاً سوسیال دموکرات، خارج از کشوری، سابقاً نزدیک به جریان "اکثریت" و امروز نزدیک به قوم گرایان. قبلاً تحت همین عنوان، و شامل عناصر دیگری هم بود، که تحت نام "شورای عالی" و پس از درگیری مسلحانه درونی در سازمان فدایی- اقلیت در عراق شکل گرفته بود. این عناصر چند سال پیش بمنظور اتحاد با سازمان "اکثریت" از این جریان جدا شده، "حزب چپ ایران" کنونی را تشکیل میدهند. جریان "شورای عالی" در مقطع درگیری فوق بعنوان "باند مدنی- شیبانی" هم مشهور شد. از جریان "شورای عالی" ("باند مصطفی مدنی - حماد شیبانی") پس از طی چندین وحدت و انشعاب از سال 1364 به بعد، سازمان کنونی که یک جریان نزدیک به قوم گرایان خارج از کشوری است، باقی مانده است. فعال قدیمی رئوف کعبی از یک خانواده مشهور ضد

رژیمی در کردستان ایران مسئول این جریان است. او برادر رفقا نسرین و شهلا کعبی از جانب‌باختگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران است، که هر دو، پرستار و در بیمارستان سقز شاغل بودند. هر دو خواهر جوان در سال 1358 طی تهاجم ارتش و پاسداران بازداشت شده و بشیوه جنایتکارانه ای فوراً به جوخه اعدام سپرده میشوند. برادر دیگر او نیز **صدیق کعبی** بدست عناصر سپاه پاسداران در درگیری مسلحانه در کردستان جان می‌بازد. در این نشانی اطلاعاتی از خانواده رئوف کعبی:

https://iranhrdc.org/fa/wp-content/uploads/pdf_fa/WitnessTestimony/Witness_Statement_of_Maruf_Kaabi_Persian_745504242.pdf

8- شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران: این جریان خارج از کشوری محفلی کوچک و روشنفکری و احتمالاً باقیمانده از چندین انشعاب و وحدت است (نظیر سنگهای آسمانی کوچک و آواره!!).

9- کومه له زحمتکشان کردستان: یکی از جناح‌های انشعابی کوچک از کومه له و تحت ریاست **عمر ایلخانی زاده** است، که گویا همین چند روز پیش دوباره با همان جریانی که از آن انشعاب کرده بودند، یعنی "حزب کومله کردستان ایران" تحت ریاست **عبدالله مهدی**، متحد شده، و هم اکنون باید "پروسه" تقسیم دوباره پست‌های قدیمی میان آنها شروع شده باشد!

شورای دموکراسی خواهان ایران در مهر سال 1379 - سپتامبر 2000 در خارج از کشور تشکیل شده و در جدیدترین آمار آن، شامل جریانات زیر است:

۱- جبهه دموکراتیک ایران؛ ۲- جبهه متحد بلوچستان؛ ۳- جنبش همبستگی ستم‌دیدگان دادخواه؛ ۴- سازمان فرهنگی و سیاسی خلق تورکمن؛ ۵- حزب اتحاد بختیاری و لورستان؛ ۶- حزب دموکراتیک تضامن اهواز؛ ۷- حزب دموکرات کردستان؛ ۸- حزب کومله کردستان ایران؛ ۹- حزب مردم بلوچستان؛ ۱۰- سازمان فرهنگی و سیاسی آذربایجان. این جریان به اعلام خود خواستار ایجاد یک "سیستم فدرال" در کشور است. بقیه مطالبات آن موضوعات آشنا و عمومی است.

جریان شماره 1 در اینجا، همان گروه "حشمت الله طبرزدی" است، جریانی لیبرال راست که از "اصلاح طلبان" حکومتی کنده شده و سر از قوم‌گرایان در آورده است. چهار جریان اصلی در اینجا یعنی: حزب دموکراتیک تضامن اهواز، حزب دموکرات کردستان، حزب کومله کردستان و حزب مردم بلوچستان هم، همان چهار جریان اصلی در ائتلاف اولی یعنی "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" هم هستند!

کنگره ملیتهای ایران فدرال. این گروه به اعلام خود در سایت آن، در سال 2005 در لندن تأسیس و سپس در سال 2013 گسترش یافته است. اعضاء این گروه از سال 1994 تا 2004 مشغول تماس و مشورت با یکدیگر بوده اند. این جریان صریح‌ترین جریان در موضوع تشکیل دولت‌های قومی در ایران است.

<https://iran-federal.net/1398/12/28/773>

اعضاء این جریان در مجمع عمومی تأسیس آن در آوریل سال 2013 در لندن به ترتیب حروف الفباء عبارت از 13 جریان بودند:

جبهه متحد بلوچستان-ایران (جمهوریخواهان)، جبهه مردم بلوچستان، جنبش فدرال دمکرات آذربایجان، حرکت ملی- دمکراتیک ترکمن، حزب اتحاد بختیاری و لرستان، حزب تضامن دموکراتیک

الاهواز (عربستان)، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن، سازمان مردمی گُرماتج (کردهای خراسان)، کانون فرهنگی و سیاسی آذربایجان، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن.

***7-** "توده های مردم در تجربه زندگی خود یاد میگیرند." - لنین
